

بررسی و نقد

فی البلاغة العربية والألسوبيات اللسانية؛ آفاق جدیدة

محمد خاقانی اصفهانی*

چکیده

پژوهش‌های بلاغی در زبان عربی، که به برکت نزول قرآن کریم پس از مباحث صرفی و نحوی در جهان اسلام گسترش یافت، دیرینه‌ای بس افتخارآمیز دارد. پژوهشندگان مسلمان فراوانی در فنون گوناگون بلاغت آثار سترگی را به جامعه بشری ارزانی داشتند. اما کاستی‌های قابل توجهی در بلاغت سنتی، از جمله رویکرد «جمله‌محور»، زمینه را برای اندیشمندان غربی فراهم کرد تا با رویکرد «متن‌محور» برای درک زیبایی‌های تمامیت متن، به جای جمله‌های منفرد، در رفع کاستی‌های آن، به توفیق تأسیس دانش سبک‌شناسی نو نایل شوند. اما آیا در کار بلاغی‌های سنتی رهیافت‌هایی هست که به دستاوردهای سبک‌شناسی نو گره خورد و در پرتو آن‌ها بازخوانی شود؟ یا مقوله «گسست علمی» (القطیعة المعرفیة) هیچ وفاقی را میان این دو مشرب بر نمی‌تابد؟ فی البلاغة العربیة والألسوبيات اللسانية؛ آفاق جدیدة اثر ارزش‌مندی از سعد عبد العزیز مصلوح است که در آن به اثبات امکان بازخوانی متون بلاغت سنتی در پرتو سبک‌شناسی زبان‌شناختی پرداخته است. بررسی انتقادی کتاب مزبور با روش تحلیلی - توصیفی و میزان توفیق آن به منزله کتاب درسی در دروس علوم بلاغی و سبک‌شناسی مقاطع تحصیلات تکمیلی گروه‌های عربی کشور دست‌مایه نگارش این مقاله است.

کلیدواژه‌ها: بلاغت عربی، سبک‌شناسی، زبان‌شناسی، سعد عبد العزیز مصلوح.

* استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان mohammadkhaqani@yahoo.com / www.khaqani.org

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۱۵

۱. مقدمه

سعد عبد العزيز مصلوح در ۱۹۴۳، در شهر منیا در مصر زاده شد. سال ۱۹۷۵ در رشته آواشناسی آزمایشگاهی دانشگاه مسکو مدرک دکتری گرفت و در دانشگاه‌های قاهره و ملک عبد العزيز تدریس کرد، او سال‌هاست که عضو هیئت علمی دانشگاه کویت است.^۱

فی البلاغة العربية والألسوبيات اللسانية؛ آفاق جدیدة، اثر عبد العزيز مصلوح، نخستین بار در ۲۰۰۶ در کویت و برای دومین بار در ۲۰۱۰ از سوی مرکز نشر عالم الکتب در قاهره منتشر شد. این کتاب به منزله منبع فرعی می‌تواند در دروس علوم بلاغی مقطع کارشناسی ارشد، تحلیل عالی معانی و بیان و بدیع، سبک‌شناسی گرایش ادبیات معاصر، و نقد در مقطع دکتری گروه‌های زبان و ادبیات عربی دانشگاه‌های کشور تدریس شود. اگرچه محتوای ارزشمند برخی مباحث می‌تواند آن را به سطح یکی از منابع اصلی دروس مزبور ارتقا دهد، اما چون نگارش این کتاب با اهداف پژوهشی و نه آموزشی صورت گرفته است، لحاظ آن به شکل منبع اصلی نیازمند بازتألیف است.

۲. بررسی شکلی

این کتاب از نظر حروف‌نگاری دارای شکلی چشم‌نواز با حروفی در اندازه بزرگ است. از نظر صفحه‌آرایی در قطع رقعی است که در ۲۷۴ صفحه منتشر شده است. چاپ دوم آن نیز افست چاپ نخست است. صحافی آن مطلوب و طرح جلد چاپ دوم نقشی از نقوش معماری اسلامی مساجد است. در تناسب طرح جلد با محتوای کتاب دو اشکال به نظر می‌رسد: نخست، انتخاب کتیبه‌ای حاوی آیه‌ای از قرآن کریم یا متنی ادبی، به جای یک نقش بی‌کلام، می‌توانست با محتوای کتاب سازگارتر باشد؛ دوم، انتخاب یک طرح سنتی و کهن با اصطلاح «افق‌های نو» که بخشی از عنوان کتاب است هم‌خوانی ندارد.

قواعد عمومی ویرایش و نگارش در کتاب به‌خوبی رعایت شده است. نثر و سبک نگارش آن نیز سبکی فاخر همراه با پردازش فصیح واژه‌هاست. به نظر می‌رسد نویسنده بر آن است که جستاری در حد پژوهش‌گران نوآور در عرصه بلاغت و سبک‌شناسی نمی‌تواند و نباید از ویژگی‌های بلاغی و سبکی متین و رصین بی‌بهره باشد.

۳. بررسی محتوایی

۱.۳ ابزارهای تفهیم موضوع

نویسنده برای تفهیم موضوع از ابزارهای لازم علمی استفاده کرده است. بحث مقدماتی با عنوان «فاتحة الكتاب» در ده صفحه، در آغاز کتاب قرار گرفته است. محتوای اصلی کتاب در پنج مبحث تقریباً مستقل است. در پایان هر یک از این مباحث «حواشی و مراجع» قرار گرفته است. نگارنده ظاهراً با توجیه استقلال این مباحث خود را از تألیف نتیجه و جمع‌بندی نهایی بی‌نیاز دانسته است، که این موضوع یکی از کاستی‌های اصلی کتاب به عنوان یک پژوهش آکادمیک است.

هم‌چنین، به سبب این‌که رویکرد کتاب پژوهشی و نه آموزشی است، فاقد تمرین و آزمون است. البته در متن کتاب برخی جداول و نیز نقشی از جداول حروف برگرفته از *مفتاح العلوم* سکاکی وجود دارد.

۲.۳ مباحث کتاب

مباحث پنج‌گانه کتاب به قرار ذیل‌اند:

- مبحث اول: مشکل ارتباط میان بلاغت عربی و سبک‌شناسی زبان‌شناختی؛
 - مبحث دوم: در باب بلاغت و هم‌ترازی نحوی میان عربی، انگلیسی، و روسی؛
 - مبحث سوم: از جغرافیای زبانی تا جغرافیای سبکی؛
 - مبحث چهارم: پانوشتی سبک‌شناختی بر زبان‌گفتمان انتقادی؛
 - مبحث پنجم: بررسی نحوی - اجرومی - متن شعری؛ جستاری در قصیده‌ای جاهلی، «حازم القرطاجنی ونظریة المحاکاة والتخییل فی الشعر» (القرطاجنی، ۱۹۸۰).
- و اینک گزارشی از مقدمه و مباحث پنج‌گانه کتاب را می‌آوریم.

۱.۲.۳ مقدمه

نویسنده در مقدمه ده‌صفحه‌ای کتاب در آغاز با طرح انتقاد احتمالی از کاربرد اصطلاح «افق‌های نو» تساوی هر مطلب نو با سخنی فاخر و ارزش‌مند را رد کرده است و در توجیه کاربست این اصطلاح بر نوگرایی به عنوان شالوده هر سخن ارزش‌مند علمی تأکید می‌کند. به تعبیر او، از آن هنگام که امام بزرگ، ابویعقوب یوسف بن محمد بن علی سکاکی

(ز ۶۲۶)، حد و رسم بلاغت عربی را ترسیم و فصول آن را طبقه‌بندی کرد زمانی طولانی می‌گذرد. در زمانه ما چالش بزرگ بلاغت عربی پژوهندگان این عرصه را به دو گروه تقسیم کرده است:

الف) سنت‌گرایانی که با تکیه بر مبانی بلاغت سکاکی و با تکرار متون و حواشی مرتبط با آن هیچ اندیشه جدیدی را در این راستا بر نمی‌تابند؛

ب) نوگرایانی که با اصرار بر مقوله «گسست علمی» (القطیعة المعرفیة) پیوند دو دانش سبک‌شناسی نو و بلاغت سنتی را تلاشی بیهوده می‌دانند.

نویسنده در ادامه مقدمه با اصرار بر امکان بازخوانی بلاغت سکاکی در پرتو دستاوردهای سبک‌شناسی نو به شرح فهرست‌وار مباحث پنج‌گانه کتاب پرداخته است.

۲.۲.۳ مبحث اول: مشکل ارتباط میان بلاغت عربی و سبک‌شناسی زبان‌شناختی

در این مبحث نویسنده با توضیح علت ترجیح واژه «أسلوبیات» بر «علم الأسلوب» یا «أسلوبیة» برای برگردان واژه لاتین «linguistic stylistics»، اعتراف به دشواری مقایسه میان بلاغت عربی به‌منزله دانشی بنیادین در جهان عرب و اسلام، و سبک‌شناسی به عنوان دانشی نو با خاستگاه غربی با طرح پرسش‌هایی چند وارد بحث خود شده است؛ از جمله این‌که تلاش‌گران عرصه نوگرایی در بلاغت عربی چه قدر توفیق داشته‌اند؟ مبانی بلاغت و سبک‌شناسی تا چه اندازه ناسازگارند؟ و چگونه می‌توان میان آن دو آشتی داد؟

سپس، نویسنده از کسانی یاد می‌کند که تاریخ بلاغت عربی را به تصویر کشیده‌اند؛ از جمله «شوقی ضیف»، که «جاحظ» را پایان‌بخش دوره تأسیس بلاغت معرفی کرده و نقش متکلمان و فیلسوفان و ادیبان را در گزار به مرحله نضج و طبقه‌بندی مراتب بلاغت برمی‌شمارد. او «جرجانی» و «زمخسری» را قهرمانان این مرحله می‌داند، سپس با شخصیت‌هایی چون «فخر رازی» در *نهایة الإیجاز* و «سکاکی» در *مفتاح العلوم*، و *تلخیصات خطیب* و شروح آن‌ها از دوره قاعده‌مندی و ایستایی علم بلاغت سخن می‌گوید (ضیف، بی تا: ۳۱۴).

تحلیل‌گر بعدی «أمین خولی» است که بلاغت را به دو مکتب تقسیم می‌کند: «مکتب کلامی» (فلسفی کلامی) و «مکتب علمی» که آن را در برابر «مکتب هنری» قرار می‌دهد. مکتبی که در ابراز فراوان شواهد ادبی برای درس بلاغی اسراف می‌کند، و در عوض، در حد زیادی به تعاریف و تقسیم‌های منطقی مباحث بلاغی بی‌توجهی می‌کند.

به نظر خولی شالودهٔ مکتب کلامی فلسفی بلاغت بر اعجاز قرآن و بنیان مکتب هنری بر ادبیات بنا نهاده شده است (الخولی، بی تا: ۱۲۶). به نظر او در علم بلاغت سه رویکرد یافت می شود:

۱.۲.۲.۳ رویکرد اصولی

این گرایش به بررسی قوانین عمومی ادب و زیرساخت های فلسفی و روان شناختی آن می پردازد. نمایندهٔ این گرایش «قدمهٔ بن جعفر» در *نقد الشعر*، «ابن وهب» در *برهان*، «قاضی عبد الجبار» در بخش اعجاز کتاب *معنی*، «جرجانی» در *دلائل الإعجاز و أسرار البلاغه*، و بیش از همه «حازم قرطاجنی» در *منهاج البلاغه* است. وفاداران به این گرایش بیش از همه از کتب پیشینیان مانند خطابه و شعر ارسطو بهره برده اند (مصلوح، ۱۹۸۰: ۵۹).

۲.۲.۲.۳ رویکرد نقش گرایانه

پیروان این گرایش به تحلیل متون ادبی می پردازند تا فنون بلاغت را استقصا کرده و شواهد آن را به دست آورند و از آن ها در بررسی های بلاغی متون بهره گیرند. این رویکرد به کارهای تطبیقی علاقهٔ وافر دارد و به موازنه بین شاعران می پردازد، مانند «موازنهٔ آمدی».

۳.۲.۲.۳ رویکرد قاعده مدارانه

نمایندهٔ این گرایش که هدفش جداسازی دقیق میان ابواب و فصول علم بلاغت است، سکاکی در *مفتاح العلوم* است.

سعد مصلوح با توضیح رویکردهای مذکور کاستن از شواهد بلاغی را وجه مشترک دو رویکرد اصولی و قاعده مدارانه می داند، که در رویکرد نقش گرایانه جایی ندارد. نسبت میان رویکرد اصولی نیز با رویکرد نقش گرایانه مانند رابطهٔ میان اصول فقه با علم فقه است.

سپس به رویکرد انتقادی و به شدت منفی بسیاری از پژوهندگان معاصر بلاغت به سکاکی و *مفتاح العلوم* می پردازد. به گفتهٔ او کسانی مانند خولی در این گرایش جنبه های منفی بلاغت عربی را معلول دو عامل عجمی بودن پایه گذاران این علم و رویکرد فلسفی و منطقی آن دانسته اند (خولی، ۱۹۶۱: ۱۷۵).

به گزارش او منتقد دیگر شوقی ضیف است که به «آمیزش مسائل نحو با مسائل بلاغت» معترض است. او هم چنین سکاکی را بی بهره از درک عناصر زیبایی شناختی متن ادبی دانسته است. به نظر شوقی ضیف منتقدان سکاکی به حق این پرسش اساسی را مطرح کرده اند که بالاخره بلاغت علم است یا هنر؟

در میان منتقدان تقسیم سه‌گانه سکاکی از ابواب علم بلاغت، به کتاب مراغی، تاریخ علوم البلاغة والتعريف برجالها، هم اشاره شده است. در نقد ناقدان مفتح سکاکی از جمله این اعتراض وارد شده است که «معرفة أحوال اللفظ التي بها يطابق مقتضى الحال» (المراغی، ۱۹۵۰: ۳۲) شامل دو بخش بیان و بدیع هم می‌شود. علاوه بر این، فصول سه‌گانه مزبور کاملاً مرزبندی نشده و تداخل‌هایی با یک‌دیگر دارند. مصلوح اشکال‌های دیگر مراغی در کتاب مزبور، اعتراضات احمد شایب در الأسلوب (← الشایب، ۱۹۷۶: ۷) و امین خولی در دو کتاب فن القول و مناهج التجديد فی النحو والبلاغة والتفسير والأدب به سکاکی را هم نمایه کرده و به نقد و رد برخی از آن‌ها پرداخته است.

پایان‌بخش این مبحث دیدگاه‌های شخصی مصلوح است که در آن به «ارزیابی زبان‌شناختی بلاغت عربی» پرداخته است. او از دیدگاه علم زبان‌شناسی یازده کاستی را در بلاغت عربی رصد کرده و به تبیین آن‌ها پرداخته است.

۳.۲.۳ مبحث دوم: در باب بلاغت و هم‌ترازی نحوی میان عربی، انگلیسی، و روسی

محتوای این مبحث تکیه بر روابط پیچیده و ناگسستنی نحو و بلاغت به شکل تطبیقی میان سه زبان مزبور است. در این زمینه با ذکر تفاوت میان «رتبه» (تقدم و تأخر طبیعی ارکان جمله‌های اسمی و فعلی) و «نظم سخن» (تقدم و تأخر بالفعل ارکان جمله که گاه خلاف تقدم و تأخر طبیعی نظم و نسق می‌یابد)، به تجلیات مختلف این دو مقوله در سه زبان عربی، انگلیسی، و روسی پرداخته شده است (← آیوب، ۱۹۶۶: ۲۲۹). مهم‌ترین دغدغه پژوهشی این بخش بررسی بلاغت رتبه از منظر زبان‌شناسی مقابله‌ای میان زبان‌های مزبور است و به شکل کاربردی رتبه ارکان جمله با ارائه مثال‌های متعدد از سه زبان مزبور به‌ویژه مثال‌های قرآنی تحلیل شده است. توضیح بیش‌تر این‌که در زبان‌های مختلف چیدمان ارکان نحوی جمله در خدمت اهداف بلاغی قرار گرفته و دست‌خوش تغییر می‌شود. اما این تغییرات در ساختار نحوی جمله عربی به‌مراتب بیش‌تر از دو زبان انگلیسی و روسی است، که به نوبه خود باعث بروز برخی جلوه‌های زیبایی‌شناسی به‌ویژه در زبان عربی می‌شود.

۴.۲.۳ مبحث سوم: از جغرافیای زبانی تا جغرافیای سبکی

در این مبحث به تنوع زبانی در گستره جغرافیایی جامعه بشری و نیز تنوع لهجه‌ها در گستره جغرافیایی داخل در یک جامعه زبانی پرداخته شده است. نویسنده تلاش می‌کند

دستاورد‌های نو در این شاخه از زبان‌شناسی را ارائه کند، سپس آن را به عرصه گوناگونی‌های سبکی در متن یک جامعه زبانی گسترش دهد و لزوم کار برای ترسیم نقشه جغرافیای سبکی را به خواننده منتقل نماید. بدین شکل، افزون بر کتاب‌های اطلس زبانی به تدوین کتاب‌ها و جستارهای اطلس سبکی نیز نیازمند خواهیم بود. در این زمینه بحث از سبک‌شناسی تطبیقی و سبک‌شناسی مقابله‌ای نیز به تبع زبان‌شناسی تطبیقی و زبان‌شناسی مقابله‌ای وارد میدان پژوهش می‌شود (← مصلوح، ۱۹۸۹: ۵۳).

۵.۲.۳ مبحث چهارم: پانوشتی سبک‌شناختی بر زبان گفتمان انتقادی

در این مبحث پس از نگاهی گذرا به مقوله گفتمان انتقادی، نویسنده هفت متن مشخص ادبی را به قرار ذیل تحلیل می‌کند:

۱. «الخرم عند أبي نواس» از طه حسین، ۲. «أبونواس؛ الحسن بن هانی» از عباس محمود العقاد، ۳. «الخرم» از محمد التویهی، ۴. «أبونواس» از یوسف خلیف، ۵. «القبول و التساؤل» از ادونیس، ۶. «نقد لإحدى خمريات أبي نواس» از کمال أبودییب، و ۷. «فی النظم؛ أنفاس محترقة لمحمود أبي الوفا» از طه حسین.

برای انجام پژوهشی سبک‌شناختی و تطبیقی میان متون مزبور، محورهای مورد پژوهش در سه موضوع معین شده است: ۱. تناسب کمی میان تحلیل و استشهاد، ۲. مجازگویی در زبان، و ۳. رابطه کمی میان مضمون و عبارت.

سپس به شکل کمی و رقمی آمار بسامدی محورهای مزبور در این متون استقصا شده است و نتایج پژوهش به شکل تطبیقی با هم مقایسه شده‌اند.

۶.۲.۳ مبحث پنجم: بررسی نحوی - اجرومی - متن شعری؛ جستاری در قصیده‌ای جاهلی

در آخرین مبحث کتاب، پژوهش‌گر قصیده‌ای جاهلی از «مرقش اصغر» برای تحقیق برگزیده است. این قصیده با مطلع ذیل در وصف «هند بنت عجلان» سروده شده است:

لابنة عجلان بالجورِ رسوم لم يتعفين والعهد قديم.^۲

به نظر نویسنده برای تحلیل هر متن ادبی از این دست دو روش مرسوم بوده است: در روش اول: ناقد ادبی ابتدا مبانی نظری و راهبردی خود از تحلیل ادبیات را به دست می‌دهد، واژگان کلیدی متن مزبور را توضیح می‌دهد، و سپس، به تطبیق آن مبانی بر متن مورد نظر می‌پردازد.

اما در روش دوم: ناقد بی مقدمه وارد نقد متن می شود، و تنها از طریق بررسی نقادانه اوست که خواننده اش مبانی مورد نظر او را به شکل غیر مستقیم استنباط می کند. پژوهش گر روش دوم را ترجیح می دهد، اما نوآوری او در تحلیل این قصیده جاهلی خروج از چهارچوب های سنتی نحو و بلاغت عربی است که در طول تاریخ عمر خود جمله محور بوده اند و به همین سبب از درک تمامیت متن عاجز مانده اند (مصلوح، ۱۹۸۴: ۱۴).

به گزارش نویسنده تحلیل آجرومی و نحوی از تمامیت متن رویکردی امریکایی است که «زیلیچ هاریس» شاگرد «بلوفیلد» و استاد «چامسکی» آن را بنیان نهاده است. چامسکی در کتاب خود، *تحلیل خطاب (Analysis Discourse)*، به شرح مبانی این روش پرداخته است. در این روش تکیه اصلی بر دو مقوله «سبک» (cohesion) و «حبک» (coherence) است. در سبک استمرار یک پدیده در ظاهر متن و در حبک استمرار آن در دنیای درونی متن رصد می شود. نویسنده سپس قصیده را به مجموعه هایی از ابیات تقسیم کرده و تلاش می کند رگه هایی از انسجام پنهان را میان اجزای ذیل به دست دهد:

۱. اعتماد نحوی (grammatical dependential) در درون جمله (intra-sentential)،
۲. اعتماد میان جمله ها (inter-sentential)، ۳. اعتماد در بند یا مقطوعه، و ۴. اعتماد میان بندها یا مقطوعه ها.

دستاورد انسجام های پیدا (سبک) و پنهان (حبک) می تواند سرانجام به ردّ شائبه فقدان وحدت اندام وارگی میان ابیات قصیده در شعر جاهلی بینجامد.

موارد دیگری نیز در این مبحث تحلیل شده است، از جمله:

۱. تنوع آهنگ در عین وحدت وزن قصیده؛
۲. نقش آفرینی مفاهیم قصیده و روابط آنها در آفرینش حبک و انسجام درون مایه آن؛
۳. تفاوت زمان ها در متن ادبی و شعری (زمان نحوی، زمان موضوعی، و زمان ذاتی).
برای تفهیم بیش تر تمایز این زمان ها سه شکل نیز در این بخش ترسیم شده است.

۴. معادل سازی اصطلاحات تخصصی

اصطلاحات تخصصی این اثر (با توجه به روان و رسا بودن نزد مخاطب تخصصی آن) کاملاً مناسب و بیان گر معادل های انگلیسی و روسی است که نویسنده از آن دو زبان در این جستار بهره گرفته است. هرچند معادل های عربی اصطلاحات خارجی در متن کتاب مورد اشاره قرار گرفته است، اما جای خالی نمایه ای از مجموع آنها در پایان کتاب احساس می شود.

۵. تناسب محتوا با عنوان کتاب، و اهداف درس و مطابقت مطالب کتاب با سرفصل مصوب وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری

عنوان این کتاب با محتوای آن انطباق کامل دارد و با اهداف مورد نظر در درس سبک‌شناسی که جزو دروس جدید مقطع دکتری رشته زبان و ادبیات عربی با گرایش ادبیات معاصر و نقد و نیز گرایش صرف و نحو و بلاغت، از گرایش‌های مصوب در دانشگاه اصفهان، سازگار است.

هم‌چنین بخش پایانی مبحث اول کتاب با عنوان «تقویم لسانی للبلاغة العربیة» برای تدریس در درس علوم بلاغی مقطع کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی مناسب است. البته مباحث سبک‌شناسی جزو سرفصل‌های مصوب وزارت علوم نبوده، اما ضرورت تدریس این مباحث در بازنگری برنامه‌های درسی گروه عربی غیر قابل کتمان است.

۶. روزآمدی اطلاعات و ارجاع به منابع معتبر

تاریخ طولانی تدریس در گروه‌های عربی دانشگاه‌های معتبر کشورهای عربی، به‌ویژه مصر و کویت، پشتوانه ارزشمند استاد گران‌قدر سعد مصلوح است. افزون بر توانمندی ایشان در علوم کلاسیک زبان عربی، تسلط بر دو زبان انگلیسی و روسی نیز نام‌برده را با تحقیقات جدید در زمینه‌های بلاغت و سبک‌شناسی پیوند زده است.

اما مشکل عمده کتاب این است که نه در پایان کتاب و نه در پایان هر یک از مباحث پنج‌گانه آن فهرست منابع و مراجع وجود ندارد. آنچه در پایان هر بخش آمده با عنوان «حواشی و مراجع» است که زیرنویس‌های نویسنده را با اطلاعات کتاب‌شناختی این اثر به هم آمیخته است.

منابع مورد استفاده در کتاب معتبرند، و از نظر روزآمدی آنها، همان‌طور که در مقدمه این مقاله ذکر شد، چاپ دوم این کتاب در سال ۲۰۱۰ افسست چاپ اول است، در قیاس با آن سال جدید محسوب می‌شوند.

۷. نوآوری‌های اثر

نگارنده این مقاله نظریه علمی مستقل و بدیعی که بدواً تراوش آرا و اندیشه‌های سعد مصلوح باشد، به گونه‌ای که بتوان آن را طرح یک افق نو و خلاقیت ویژه دانست، در کتاب

حاضر نیافت. اما منصفانه باید گفت ایشان در نقد رویکردهای بلاغی در جهان عرب و بازخوانی مکاتب و مشرب‌های فکری اساطین این فن، ارائه ساختار علمی نو، به‌کارگیری ادبیات علمی روزآمد، و تنظیم جدید از مباحث نوآوری‌های ارزش‌مندی داشته است. برخی از مباحث عمده این کتاب اگرچه در میان تألیفات غربی مسبوق به سابقه است، اما انطباق آن‌ها بر فضای بلاغت عربی دارای بداعت است. به مواردی از این دست در بحث از ویژگی‌های برتر کتاب اشاره خواهد شد.

۸. نظم منطقی و انسجام مطالب اثر

همان‌گونه که در پیش آمد، این کتاب حاوی یک مقدمه و پنج مبحث است. هر یک از مباحث کتاب از تسلسل و نظم درونی و منطقی بالایی برخوردار است. اما صرف نظر از اشتراک موضوعی عام این پنج مبحث که همه زیرعنوان بلاغت و سبک‌شناسی قرار می‌گیرند، رابطه ذاتی میان آن‌ها برقرار نیست، به طوری که باید این مباحث را پنج مقاله مستقل از هم به شمار آورد، که قابل تقدیم و تأخیر هم هستند.

۹. رعایت بی‌طرفی نگارنده در نقد و امانت علمی

منابع مورد استفاده در کتاب حاضر از نظر علمی ارزش‌مند و موجه‌اند، و از آن‌ها برای تبیین موضوعات مورد بحث به قدر کفایت استفاده شده است. هم‌چنین امانت علمی در بهره‌برداری از آن‌ها رعایت شده و استنادات و ارجاعات اثر از نظر توجه به اصول منبع‌دهی علمی از دقت قابل قبولی برخوردار است. نقد و بررسی‌ها نیز در این اثر دارای وزانت علمی است و بی‌طرفی علمی در تحلیل‌های آن به‌خوبی مراعات شده است.

۱۰. سازگاری محتوای اثر با فرهنگ اسلامی

از آن‌جا که اساس تأسیس علم بلاغت عربی با هدف آشکار ساختن ابعاد ادبی اعجاز قرآنی و کشف دقایق و اسرار این کتاب آسمانی بوده است، عمدتاً محققان این عرصه بی‌تأثیر از جاذبه‌های قرآنی نیستند. اما به طور مشخص در این کتاب، و به‌ویژه در مبحث دوم آن، که به هدف نقد هم‌ترازی نحوی میان زبان‌های عربی، انگلیسی، و روسی است، انتخاب آیات زیبایی از قرآن برای مقایسه آن‌ها با ترجمه‌های انگلیسی و روسی این آیات نشان‌دهنده

دلبستگی و تعلق خاطر عمیق ایشان به دین اسلام و سازواری محتوای علمی اثر با مبانی و اصول دینی و اسلامی است.

۱.۱. نتیجه‌گیری

در این جستار فی البلاغة العربیة واللسانیات الحدیثة، اثر سعد مصلوح، نقد و بررسی شد. جنبه‌های مثبت آن عمدتاً در گرایش متن‌محور به جای رویکرد جمله‌محور به نحو و بلاغت در قالب جستارهای سبک‌شناختی، شبکه‌ی روابط پیچیده‌ی نحو و بلاغت، و بررسی تطبیقی توان‌مندی‌های بلاغی عربی در مقایسه با ساختار زبان‌های انگلیسی و روسی و جنبه‌های منفی آن عمدتاً در استقلال مباحث کتاب و فقدان تمرین، آزمون، کتاب‌نامه، و فهرست‌های متنوع بررسی شد.

۱.۱.۱. برترین ویژگی‌های علمی کتاب

- تفکیک و برجسته‌سازی سه رویکرد مهم در بلاغت سنتی جهان اسلام:

الف) رویکرد اصولی: به بررسی قوانین عمومی ادب و زیرساخت‌های فلسفی و روان‌شناختی آن می‌پردازد. نماینده‌ی این گرایش قدامه بن جعفر در *نقد الشعر*، ابن وهب در *برهان*، قاضی عبد الجبار در بخش اعجاز کتاب *معنی*، جرجانی در *دلایل الإعجاز و أسرار البلاغة*، و بیش از همه حازم قرطاجنی در *منهاج البلاغة* است. وفاداران به این گرایش بیش از همه از کتب پیشینیان مانند خطابه و شعر ارسطو بهره برده‌اند.

ب) رویکرد نقش‌گرایان: پیروان این گرایش به تحلیل متون ادبی می‌پردازند تا فنون بلاغت را استقصا کرده و شواهد آن را به دست می‌دهند تا از آن‌ها در بررسی‌های بلاغی متون بهره گیرند. این رویکرد به کارهای تطبیقی علاقه‌ی وافر دارد و به موازنه‌ی بین شاعران می‌پردازد، مانند «موازنه‌ی آمدی».

ج) رویکرد قاعده‌مدارانه: سکاکي در *مفتاح العلوم* نماینده‌ی این گرایش است، که هدفش جداسازی دقیق میان ابواب و فصول علم بلاغت است.

سعد مصلوح با توضیح رویکردهای مذکور کاستن از شواهد بلاغی را وجه مشترک دو رویکرد اصولی و قاعده‌مدارانه می‌داند که در رویکرد نقش‌گرایانه جایی ندارد. نسبت میان رویکرد اصولی نیز با رویکرد نقش‌گرایانه مانند رابطه‌ی میان اصول فقه با علم فقه است.

- توجه محققانه و عمیق به یکی از چالش‌های اساسی ادب عربی در تقابل دو مقوله متناقض‌نمای سنت‌مداری و نوگرایی در عرصه بلاغت و سبک‌شناسی و تلاش در برقراری پیوندی علمی میان گذشته، حال، و آینده.
- درک درست نویسنده هم از میراث فاخر بلاغی جهان اسلام و هم از دستاوردهای سبک‌شناسی در تمدن و فرهنگ عصر حاضر.
- گرایش متوازن به هر دو بُعد نظریه‌پردازی و عمل‌گرایی، تلاش در تطبیق عملی رهیافت‌های نظری نویسنده، و به‌کارگیری آن در تحلیل متون ادبی به‌ویژه قرآن کریم و شعر کهن عربی.
- اصرار به حق نویسنده بر ضرورت گذار از چهارچوب جمله‌محوری در نحو و بلاغت سنتی عربی به چشم‌انداز بدیع‌متن‌محوری و درک تمامیت متن؛ هم با ترسیم روابط نحوی میان اجزای متن، هم با ارائه تصویری از زیبایی‌های بلاغی تمامیت متن.
- اهتمام به بررسی‌های تطبیقی میان زبان‌های عربی، انگلیسی، و روسی و بازخوانی توان‌مندی‌های بالقوه و بالفعل عربی در آینه زبان‌های دیگر.
- تکیه بر روابط پیچیده و ناگسستنی نحو و بلاغت به شکل تطبیقی میان سه زبان عربی، انگلیسی، و روسی. در این زمینه با ذکر تفاوت میان رتبه (تقدم و تأخر طبیعی ارکان جمله‌های اسمی و فعلی) و نظم سخن (تقدم و تأخر بالفعل ارکان جمله که گاه خلاف تقدم و تأخر طبیعی نظم و نسق می‌یابد)، به تجلیات مختلف این دو مقوله در سه زبان عربی، انگلیسی، و روسی پرداخته شده است. مهم‌ترین دغدغه پژوهشی این مبحث بررسی بلاغت رتبه از منظر زبان‌شناسی مقابله‌ای میان زبان‌های مزبور است، و به شکل کاربردی رتبه‌ارکان جمله با ارائه مثال‌های متعدد از سه زبان مزبور به‌ویژه مثال‌های قرآنی تحلیل شده است. توضیح بیش‌تر این‌که در زبان‌های مختلف چیدمان ارکان نحوی جمله در خدمت اهداف بلاغی قرار گرفته است و دست‌خوش تغییر می‌شود. اما این تغییرات در ساختار نحوی جمله عربی به‌مراتب بیش‌تر از دو زبان انگلیسی و روسی است، که به نوبه خود باعث بروز برخی جلوه‌های زیبایی‌شناسی به‌ویژه در زبان عربی می‌شود.
- پرداختن به تنوع زبانی در گستره جغرافیایی جامعه بشری، تنوع لهجه‌ها در گستره جغرافیایی داخل در یک جامعه زبانی، و تلاش در ارائه دستاوردهای نو در این شاخه از زبان‌شناسی. نویسنده این دستاوردها را به عرصه گوناگونی‌های سبکی در متن یک جامعه زبانی گسترش می‌دهد تا لزوم کار برای ترسیم نقشه جغرافیای سبکی را به خواننده منتقل

نماید. بدین شکل، افزون بر کتاب‌های اطلس زبانی به تدوین کتاب‌ها و جستارهای اطلس سبکی نیز نیازمند خواهیم بود که در این زمینه بحث از سبک‌شناسی تطبیقی و سبک‌شناسی مقابله‌ای نیز به تبع زبان‌شناسی تطبیقی و زبان‌شناسی مقابله‌ای وارد میدان پژوهش می‌شود.

۲.۱۱. مهم‌ترین نارسایی‌های کتاب

- استقلال مباحث پنج‌گانه کتاب از یک‌دیگر، که آن را بیش‌تر به مجموعه مقالات همانند کرده است و به همین سبب نمی‌تواند به شکل منسجم در چهارچوب تدریس برای یک درس مشخص قرار گیرد. اساساً صبغه این کتاب پژوهشی است و نه آموزشی. اما به سبب کمبود منابع اصیل و کارآمد در تدریس دروس بلاغت جدید و سبک‌شناسی لحاظ بعضی از بخش‌های کتاب به منزله منبع درسی قابل توجیه است.

- فقدان تمرین و آزمون، کتاب‌نامه، فهرست‌های گوناگون، و از همه مهم‌تر فقدان نتیجه‌گیری نهایی در پایان کتاب و حتی در پایان هر فصل از نارسایی‌های عمده کتاب است. البته دلیل این نارسایی‌ها این است که تألیف آن با انگیزه یک کتاب درسی آموزشی همراه نبوده است.

۱۲. پیشنهاد

با توجه به شرکت فعال نویسنده محترم کتاب در کارگاه آموزشی بلاغت قدیم و جدید که پاییز ۱۳۹۱ به همت کمیته بلاغت گروه عربی شورای بررسی متون در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد و تعامل خوب و ارزش‌مند ایشان با این مجموعه و هم‌نوایی نام‌برده با نیازهای آموزشی - پژوهشی گروه‌های عربی دانشگاه‌ها در جمهوری اسلامی ایران، پیشنهاد می‌شود کاستی‌های این کتاب به ایشان منعکس شود و قرارداد بازنویسی و بازتألیف این کتاب با او بسته شود. هم‌چنین، ایشان مصرانه خواستار انتقال نقطه‌نظرات نقادانه پژوهش‌گران ایرانی است و تلویحاً آمادگی این کار را به بنده ابراز کرده‌اند.

پی‌نوشت‌ها

۱. تألیفات دانشگاهی ایشان به قرار ذیل است:

- فی البلاغة العربية والأسلوبيات اللسانية آفاق جدیدة، قاهره: عالم الکتب، ۲۰۰۶.

- فى النقد اللسانى: دراسات ومناققات فى مسائل الخلاف، قاهره: عالم الكتب، ٢٠٠٤.
- فى اللسانيات العربية المعاصرة: دراسات ومناققات، قاهره: عالم الكتب، ٢٠٠٤.
- دراسة السمع والكلام: صوتيات اللغة من الإنتاج إلى الإدراك، قاهره: عالم الكتب، ٢٠٠٥.
- فى النص الأدبى: دراسات أسلوبيية إحصائية، قاهره: عالم الكتب، ٢٠٠٢.
- الأسلوب: دراسة لغوية إحصائية، قاهره: عالم الكتب، ١٩٩١.

2. www.voiceofarabic.net

منابع

- أيوب، عبد الرحمن (١٩٦٦). محاضرات فى اللغة، بغداد: دار المعرفة.
- الجرجاني، عبد القاهر (١٩٩١). أسرار البلاغة، القاهرة: مكتبة الخانجي.
- الجرجاني، عبد القاهر (٢٠١١). دلائل الإعجاز، القاهرة: مكتبة نرجس.
- الخولى، أمين (١٩٦١). مناهج التجديد فى النحو والبلاغة والتفسير والأدب، القاهرة: دار المعرفة.
- الخولى، أمين (بى تا). من تاريخ البلاغة بين يدي تجديدها، القاهرة: دار المعرفة.
- السكاكى، ابى يعقوب يوسف (٢٠١١). مفتاح العلوم، حققه و قدم له و فهارسه عبدالحميد هندواى، بيروت: دارالكتب العلمية.
- الشايب، أحمد (١٩٧٦). الأسلوب دراسة بلاغية تحليلية فى أصول الأساليب الأدبية، القاهرة: النهضة المصرية.
- ضيف، شوقى (بى تا). البلاغة تطوّر وتاريخ، مصر: دار المعارف.
- العقاد، عباس محمود (٢٠٠٩). أبو نواس الحسن بن هانئ، القاهرة: مكتبة الإسكندرية.
- المراغى، أحمد مصطفى (١٩٥٠). تاريخ علوم البلاغة والتعريف برجالها، القاهرة: نشرة مصطفى البابى الحلبي وأولاده.
- مصلوح، سعد (١٩٨٤). الأسلوب دراسة لغوية إحصائية، القاهرة: دار الفكر العربى.
- مصلوح، سعد (١٩٨٩). دراسات نقدية فى اللسانيات العربية المعاصرة، القاهرة: عالم الكتب.
- مصلوح، سعد (٢٠١٠). فى البلاغة العربية والأسلوبيات اللسانية؛ آفاق جديدة، القاهرة: عالم الكتب.
- مصلوح، سعد (١٩٨٠). حازم القرطاجنى ونظرية المحاكاة والتخييل فى الشعر، القاهرة: عالم الكتب.

<http://saadmaslouh.com/>

www.voiceofarabic.net/index.php